

رابطه طبقه اجتماعی و میزان نوگرایی در شهر یزد

سیدعلیرضا افشانی (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد)

afshanalireza@yazd.ac.ir

چکیده

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه طبقه اجتماعی افراد با نگرش آن‌ها نسبت به جریان نوگرایی انجام گرفت. این تحقیق از نوع پیمایش بوده که با توجه به پراکندگی متغیر اصلی تحقیق در پیش‌آزمون انجام شده و سطح اطمینان ۹۵ درصد، با ۲۴۹ نفر از شهروندان ۱۵ ساله و بیشتر شهر یزد مصاحبه شده است. طبق تعاریفی که از نوگرایی صورت گرفته است، در مجموع هشت مؤلفه اصلی که اکثر نظریه‌پردازان در تعریف جامعه مدرن به آن‌ها اذعان داشته‌اند به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده نوگرایی در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: عقلانیت، سودگرایی، مصرف‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌خواهی، نگرش دموکراتیک، انتقادگری و علم‌گرایی. نتایج نشان داد که رابطه مؤلفه‌های سودگرایی، نگرش دموکراتیک، علم‌گرایی، آزادی‌خواهی و عقل‌گرایی با طبقه اجتماعی، مستقیم و معنی‌دار است در حالی که رابطه مؤلفه‌های فردگرایی، مصرف‌گرایی و انتقادگرایی با طبقه اجتماعی معنی‌دار نیست.

کلیدواژه‌ها: طبقه اجتماعی، نوگرایی، نگرش، یزد.

۱. مقدمه و بیان مسأله

جریان نوگرایی و پیدایش جوامع مدرن برای نخستین بار در غرب مطرح شد. اکثر جامعه‌شناسان، انقلاب صنعتی بریتانیا در قرن نوزدهم را سرآغاز دوران مدرن می‌دانند و تأکید می‌کنند که نظام صنعتی عنصر اساسی برای مدرنیته بوده است. اینکلس^۱ به همراه اسمیت^۲، نقطه آغاز تجدد و نوشتن را در نوسازی انسان می‌دانند. آن‌ها انسان نوین را فراهم‌کننده توسعه

1. A. Inkeles
2. D. H. Smith

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند و برای او ویژگی‌ها و معیارهایی را بر می‌شمرند. آن‌ها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می‌بینند و برای معیارهای درونی در خصوص انسان نو و مدرن به ویژگی‌ها و معیارهای زیر توجه دارند: ۱. آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر ۲. برخورداری از عقاید آزاد و توجه به تنوع عقاید و آگاهی از اختلاف آن‌ها با یکدیگر ۳. معطوف بودن ذهن او به حال و آینده تا به گذشته و برخوردار بودن از وقت‌شناسی و نظم و انضباط ۴. تمایل داشتن به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی امور ۵. کارآمد بودن یا داشتن ایده‌ها و توانمندی تسلط بر محیط ۶. قابل محاسبه دانستن جهان ۷. احترام به دیگران ۸. اعتقاد به علم و تکنولوژی ۹. احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱). به نظر آن‌ها در مقابل جوامع نوگرا، انسانی که در جوامع سنتی زندگی می‌کند محکوم به جمود فکری است، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراسان از نوآوری، بی‌اعتماد و ناآشنا به جهان خارج و به شدت وابسته به اقتدار سنتی است. او منفعل، فاقد همت بلندپروازانه و ناتوان در جهت تغییر سرنوشت است و برای آموزش ارزشی قایل نمی‌شود (اینکلس و اسمیت^۱، ۱۹۷۴: ۸۴). اینکلس به وسایل ارتباط جمعی نیز اشاره می‌کند و به نظر او «آن‌هایی که در معرض وسایل توده‌ای قرار گرفته‌اند، دیدگاه نوتری دارند» (اینکلس، ۱۹۶۹: ۲۰۶-۲۰۵).

مندل^۲ معتقد است افکار و عقایدی که در یک جامعه شکل می‌گیرند حول اقتصاد آن جامعه شکل گرفته و کارکرد تحکیم اقتصادی را برعهده دارند. در سطح خرد موقعیت اقتصادی افراد در جامعه می‌تواند تعیین‌کننده طرز نگرش و رفتار آن‌ها در جامعه باشد. موقعیت اقتصادی افراد با قرار گرفتن آن‌ها در نظام قشربندی جامعه مشخص می‌شود و هر فرد از لحاظ اقتصادی-اجتماعی دارای تعلق طبقاتی است. در واقع افکار و معتقدات انسان‌ها و احساسات و تصورات و رفتار آن‌ها دارای ماهیتی طبقاتی است. هر طبقه‌ای ایدئولوژی‌ای مخصوص به

1. Inkeles & Smith

2. G. Mendel

خود دارد که بازتاب و انعکاس نظام‌یافته مبتنی بر شعوری از هستی اجتماعی، از دیدگاه همان طبقه است؛ به عبارت دیگر نوگرایی نیز نوعی جهت‌گیری رفتاری عقیدتی و ارزشی است که متأثر از تعلق طبقاتی است. مفهوم طبقه حاوی نابرابری‌های شغلی، درآمد، مقام و منزلت و حیثیت اجتماعی است و ظرفیت سیاسی، فرهنگی و امثال آن را مورد توجه قرار می‌دهد بدون آن‌که این نابرابری‌ها را از یکدیگر متمایز کند. در این معنا، طبقه به هر نوع سلسله‌مراتب اجتماعی اطلاق می‌شود که در ساخت یک جامعه ظاهر می‌شود و افرادی با موقعیت‌های یکسان را در یک گروه قرار می‌دهد (انصاری، ۱۳۷۸: ۲).

هر چه افراد دارای موقعیت‌های اقتصادی بهتر و متعلق به طبقه اجتماعی بالاتر باشند به دلیل استفاده از تکنولوژی نوین و دستاوردهای جامعه صنعتی، خود را سریع‌تر با جریان نوگرایی وفق داده و ارزش‌های جامعه مدرن را که نوعاً جامعه‌ای سرمایه‌داری است، پذیرا می‌شوند؛ مثلاً با استقلال اقتصادی، افراد، صاحب استقلال فکری و عاطفی نیز می‌شوند و از اسارت خردکننده سنت‌های اجتماعی رهایی می‌یابند و برای ابداع و ابتکار آمادگی پیدا می‌کنند. به دنبال آزادی و استقلال به‌دست‌آمده، علایق عاطفی سست می‌شود که قیمت پرداختی برای کسب آزادی و استقلال است.

با توجه به آنچه ذکر شد چون شرایط عینی زندگی افراد به نحوی تعیین‌کننده نگرش‌های ذهنی آن‌هاست و تبلور این نگرش‌ها را تا حدود زیادی می‌توان در نگرش افراد نسبت به جریان نوگرایی مشاهده کرد، در تحقیق حاضر سعی بر آن است که رابطه بین تعلق طبقاتی و یا پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و نگرش آن‌ها نسبت به جریان نوگرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یزد به عنوان یکی از شهرهای سنتی و مذهبی ایران، از یک محیط اجتماعی متمایز و منحصر به فرد برخوردار است که برای موضوع پژوهش حاضر دارای اهمیت است. نخست این‌که شهر یزد در زمره یکی از توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور است و از نظر بسیاری از شاخص‌های متعارف اقتصادی- اجتماعی نظیر تحصیلات، شهرنشینی و اشتغال، بالاتر از متوسط کشوری قرار دارد. دوم این‌که جمعیت یزد نسبتاً همگون است و تنوعات قومی، مذهبی و زبانی چشمگیر در آن وجود ندارد. سوم این‌که شهر یزد، فرهنگ مذهبی و بسیاری از

عناصر سنتی خود را تا به امروز همچنان حفظ کرده است و به این ترتیب پارادوکس سنت و مدرنیته را در خود مجسم کرده است (افشانی و دیگران، ۱۳۸۸؛ ترومن^۱، ۲۰۰۶). از سوی دیگر چون طرز نگرش‌ها و وجه‌نظرهای افراد جامعه نشان‌دهنده گرایش‌های عملی و رفتاری آن‌ها است، می‌توان گفت که نوع نگرش افراد به نوگرایی تعیین‌کننده میزان گرایش آن‌ها به این پدیده است؛ یعنی هرچه افراد نگرش مثبت‌تری نسبت به این فرآیند داشته باشند، در عمل نیز بیشتر به آن گرایش داشته و مطابق با آن عمل می‌کنند از این رو در تحقیق حاضر طرز نگرش افراد به نوگرایی در شهر یزد و رابطه آن با تعلق طبقاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری

مفهوم طبقه حاوی نابرابری‌های شغلی، درآمد، مقام، منزلت و حیثیت اجتماعی است و ظرفیت سیاسی، فرهنگی و امثال آن را مورد توجه قرار می‌دهد بدون آن‌که این نابرابری‌ها را از یکدیگر متمایز کند. در این معنا، طبقه به هر نوع سلسله‌مراتب اجتماعی اطلاق می‌شود که در ساخت یک جامعه ظاهر می‌شود و افرادی با موقعیت‌های یکسان را در یک گروه قرار می‌دهد (انصاری، ۱۳۷۸: ۲). طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت و فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و تعلقات شخصی و نیز آداب معاشرت از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۷۸).

در مجموع، تعاریف مربوط به مدرنیته را می‌توان به دو رهیافت اصلی تقسیم کرد: رهیافت نخست، مدرنیته را همچون شکل یا ساختاری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در نتیجه به منزله واقعیت و یا دورانی تاریخی مطرح می‌کند، در حالی که رهیافت دوم آن را به مثابه حالت و رویکردی فلسفی یا «جهان‌بینی» تازه‌ای پیش می‌کشد (احمدی، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۶). در رهیافت نخست، مسیر کار فکری، تلاش در جهت فهم مدرنیته و ارایه تعریفی از آن با شرح مشخصه‌های اصلی‌اش از طریق بررسی تاریخی و در نظر گرفتن آن به عنوان پدیده‌ای زمان‌مند و در حال تحول و تکامل است؛ پدیده‌ای که نخست در دوره خاصی از تاریخ؛ یعنی

1. Tremayne

چند سده اخیر، در اروپای غربی و مرکزی پدید آمد و در طول زمان تبدیل به نظام نمادین یکسره تازه‌ای از زندگی هر روزه؛ یعنی شیوه‌هایی از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده و رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را سبب شده است (پی پین^۱، ۱۹۹۱). رهیافت نخست بیشتر در گستره جامعه‌شناسی قرار گرفته و بر نظریه اجتماعی تکیه دارد.

در رهیافت دوم، مدرنیته به صورت حالت یا رویکردی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و فکری و نظری به شیوه زیستن انسان مطرح می‌شود. در این رهیافت، مدرنیته بیشتر همچون یک جهان‌بینی مطرح می‌شود (برنشتاین^۲، ۱۹۹۱).

در تحقیق حاضر نیز نوگرایی به مثابه ساختاری اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود که در هر کدام از این عرصه‌ها، مشخصه‌های خاص خود را دارد. جامعه‌شناسان نیز در تعریف خود از مدرنیته بر این رهیافت نخست تأکید دارند و مدرنیته را شیوه‌ای از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند که رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را ایجاد می‌کند. در تعریف دیگر، «نوگرایی» فرآیند انتقال از ارزش‌های سنتی جامعه و گرایش به ارزش‌های نوین چون آزادی‌خواهی، عقلانیت و مردم‌سالاری است که با پدیده‌های شهرنشینی، آموزش توده‌ای، ارتباطات و تکنولوژی همراه است (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۴۲). به عقیده راجرز^۳، افرادی که خیلی زود تغییر کرده یا رویه‌ای جدید را برمی‌گزینند از سایرین جوان‌ترند، پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و ثروتمندترند. این‌گونه افراد، ویژگی‌های شخصیتی متمایزی دارند، از جمله این‌که کمتر با خشونت رفتار می‌کنند و در کارهایشان بسیار معقول‌اند و در مقایسه با دیگران بیشتر از منابع اطلاعاتی ملی و بین‌المللی استفاده می‌کنند (گلدتورپ، ۱۳۷۰: ۳۵۵-۳۵۴). بوردیو^۴ بیشتر بر نقش رسانه‌های جمعی و آموزش رسمی در مدرن کردن جامعه تأکید دارد. بوردیو منش افراد را محصول تجربه آموزش رسمی می‌داند. زیمل^۵ بر نقش کلان‌شهر در

1. Pippin
2. Bernstein
3. Rogers
4. P. Bourdieu
5. G. Simmel

نوگرایی افراد تأکید می‌کند و آنتونی گیدنز^۱ نیز سبک زندگی و شیوه مصرف افراد را در تعیین هویت آن‌ها در جامعه مدرن مؤثر می‌داند. آندرسن^۲ و یانسن^۳ هم به وسایل ارتباط جمعی اشاره کرده و معتقدند که هر مصرف رسانه‌ای پیامدی دارد که می‌تواند در درازمدت از طریق تغییر دادن آگاهی، ارزش‌ها و نگرش‌ها و حتی معرفی سبک‌های زندگی جدید به تغییر ساختار جامعه و مدرن کردن آن منجر شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۶۷).

مشخصه‌های نوگرایی را می‌توان در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح کرد که در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱) بعد اقتصادی

رکن اساسی یک جامعه مدرن، نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد است. در نظام اقتصاد بازار آزاد، افراد آزادانه به مبادله کالا و خدمات می‌پردازند و به تبع آن حسابداری و سودگرایی و نفع شخصی بر روابط بین افراد در بازار حاکم می‌شود. مضامینی از تولید فناوریانه نظام سرمایه‌داری که قابل انتقال به جهان مدرنیته هستند، عبارت‌اند از: «عقلانیت، سودگرایی به معنای گرایش اساسی به بیشینه‌سازی نتایج یا منافع هر فعالیت و مصرف‌گرایی که به دنبال تولید انبوه به وجود می‌آید (برگر و کلنر، ۱۳۸۱: ۱).

عقلانیت: بزرگ‌ترین وجه تمایز دوره مدرنیته از دوره ماقبل مدرن این است که در دوران مدرن تکیه بر خرد آدمی می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۹). به طور کلی، مدرنیته؛ یعنی خردباوری و تلاش برای خردمندانه کردن هر چیز، شکستن و ویران‌گری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حس‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن. مدافعان مدرنیته اعلام می‌کنند که نوشدن و امروزی بودن کار علم و تکنولوژی است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱-۱۲). به طور کلی عقلانیت مورد نظر در جامعه مدرن، عقلانیتی رسمی است که به زعم ریتز «تأکید بر محاسبه‌پذیری، تأکید بر کارایی و بازدهی، تأکید بر

1. A. Giddens

2. H. Ch. Andersen

3. Yansen

قابلیت پیش‌بینی امور، طی محاسبات دقیق و کنترل امور انسان‌ها از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده این نوع عقلانیت هستند» (ریترز، ۱۳۷۳: ۳۷۵).

سودجویی: سودجویی خود حاصل عقلانیت ابزاری دوران مدرن است که طی آن افراد به دنبال منافع شخصی و کسب سود هر چه بیشتر در چارچوب نظام اقتصادی بازار آزاد هستند و روابط بین افراد را حسابگری اقتصادی تعیین می‌کند. «فرآیند عقلانی شدن با یک دگرگونی و جابه‌جایی ارزشی عمده همراه بوده است؛ زیرا جوامع مدرن عمدتاً بر موفقیت مادی تأکید می‌کنند. پروژه‌ها و نهادها بیش از پیش بر حسب قابلیت و توانایی‌شان برای فراهم کردن فواید مادی کوتاه‌مدت ارزیابی می‌شوند تا برحسب قابلیتشان برای ارزش معنوی بلندمدت» (واترز، ۱۳۸۱: ۷۲).

مصرف‌گرایی: یکی دیگر از تغییرات ناشی از پیشرفت‌های فن‌آوری که بیشتر جنبه کیفی داشته است تا کمی، تغییر جهت اقتصاد از تولید به مصرف بوده است. طرفداران مدرنیته معتقدند که فرآیند نوگرایی و رهایی از سنت‌ها به افراد حق انتخاب بیشتری می‌دهد و مجموعه الگومندی جهت تصمیم‌گیری افراد در کنش‌هایشان به وجود می‌آورد. «آنتونی گیدنز» است که معتقد است «سبک زندگی» افراد کارکرد هویت بخش دارد. «زیمل» نیز بر این کارکرد تأکید می‌کند. به عقیده زیمل، زندگی در شهرهای مدرن امروزی، فشارهای ساختاری شدیدی بر افراد وارد می‌کند، تعلقات گروهی از بین رفته و درگیر شدن در نظام تقسیم کار پیچیده، دست‌مابه‌های هویت و تمایز از دیگران را زایل کرده است. در چنین وضعیتی، شیوه خاص مصرف‌کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان‌شهر است. افراد در مواجهه با گمنامی حاصل از زندگی در شهر، برای حفظ هویت خویش از مصرف بهره می‌گیرند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۵).

۲) بعد سیاسی

بعد سیاسی جریان نوگرایی، داشتن بینش سیاسی دموکراتیک است. معنای دموکراسی در سه لایه قابل بررسی است: دموکراسی به عنوان فرهنگ اجتماعی، دموکراسی به عنوان یک

حکومت با ارزش‌های سیاسی خاص و دموکراسی به معنای نوعی حکومت با یک روش سیاسی تعریف شده. در معنای نخست، دموکراسی دربرگیرنده ارزش‌های اجتماعی نظیر آزادی، هم‌زیستی، رواداری و غیره است. تعابیری چون انسان دموکرات یا جامعه دموکراتیک اشاره‌ای است به رعایت این‌گونه ارزش‌های اجتماعی. در معنای دوم، منظور هر حکومتی است با ارزش‌های سیاسی از این دست که در آن، حاکم خودکامه نیست و اراده مردم در جهت‌گیری‌های کلی نقشی انکارناپذیر دارد. در معنای سوم «دموکراسی عبارت است از نوعی حکومت با روش سیاسی خاص که در آن از طریق تفکیک قوا، از تمرکز قدرت جلوگیری می‌شود، به وسیله انتخابات آزاد اقتدار سیاسی مردم اعمال می‌شود و از طریق قانون مستند به اکثریت، حقوق و تکالیف و نهادها معین می‌شود» (مردیها، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۶).

۳) بعد اجتماعی

بعد اجتماعی شامل آزادی‌خواهی و فردگرایی است که در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

آزادی‌خواهی: «لیبرالیسم» خود در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل طرح است: «لیبرالیسم اقتصادی به مفهوم رایج، به معنی بازار آزاد و رقابتی است. لیبرالیسم فرهنگی به معنی آزادی اندیشه و بیان است. لیبرالیسم سیاسی نیز بیشتر به مفهوم فلسفه آزادی در معنای فرهنگی آن به کار رفته است و جوهر آن تفکیک حوزه‌های دولت و جامعه و تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد در جامعه است» (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۲).

«آزادی اجتماعی» به این معناست که افراد در انتخاب مذهب، روش زندگی، شریک زناشویی و شغل و حرفه‌شان آزاد باشند؛ یعنی در جامعه مدرن افراد از «آزادی انتخاب» برخوردارند. به عقیده وبر^۱ «شأن انسان مدرن در انتخاب ارزش‌هایی است که با آن‌ها زندگی می‌کند» (لسناف، ۱۳۸۰: ۴۴). به طور کلی، امروزه مبانی اساسی لیبرالیسم در جامعه مدرن عبارت‌اند از: آزادی‌خواهی در اقتصاد، پذیرش سازوکار بازار در قیمت، تعدد احزاب و دعوت دولت به شکوفاسازی استعدادهای فردی از طریق رقابت (ساروخانی، ۱۳۵۹: ۳۹۷).

فردگرایی: «فردگرایی» هر نظریه، آیین یا هر اقدامی را می‌رساند که انسان را در فردیتش شالوده نظام اندیشه و تبیین قاعده رفتاری یا واقعیت اساسی و یا به طور کلی والاترین ارزش به حساب آورد. به عقیده «ریسمن» در هر دوره از تاریخ یک جامعه، یک نوع شخصیت اجتماعی حاکم است که فرد بر اساس آن به جهان و افراد آن نزدیک می‌شود و این نوع شخصیت در میان گروه‌های اجتماعی مشترک است. وی شخصیت اجتماعی دوران پیش صنعتی را شخصیت «سنت گرا» و شخصیت اجتماعی دوره مدرن (صنعتی) را شخصیت «خودمختار» می‌نامد که طبق آن هر فرد استقلال دارد (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

۴) بعد فرهنگی

بعد فرهنگی خود دارای عناصر انتقادگری و علم‌گرایی است.

انتقادگری: یکی دیگر از عناصر فرهنگی نوگرایی، افزایش روحیه و طرز تفکر انتقادی در بین افراد است که طی آن اعضای جامعه به همدیگر با دید نقادانه نگاه می‌کنند. روحیه نقادی‌گری خود به دنبال آزادی بیان افکار و عقاید حاصل می‌شود. «مدرنیته با اندیشه انتقادی، نزدیکی دارد. مدرن‌شدن در عین حال که تکیه بر خرد است، ارزیابی، سنجش و یا نقد همین خرد نیز محسوب می‌شود. آدم مدرن، جامعه مدرن و اندیشه مدرن، نه فقط انکار سنت‌های جزمی‌اند؛ بلکه خردی را هم که ابزار کار خود آن‌هاست، به نقد می‌کشند و می‌کوشند تا حدودی کارایی آن را بشناسند. نقادی؛ یعنی ارزیابی و سنجیدن، بر پایه ملاکی دقیق پذیرفتن و در عین حال، امکان‌دادن به کنش و اندیشه ابطال‌کننده‌ای که پذیرا و رام نیست» (احمدی، ۱۳۷۹: ۷۳).

علم‌گرایی: اصالت علم جدید یا «ساینسیسم»^۱ یکی دیگر از ویژگی‌های مهم تفکر مدرن است. علم‌گرایی به این معناست که در جامعه مدرن به تفکر علمی اصالت داده می‌شود و برای

تشریح و تبیین هر حادثه‌ای عقل علمی لازم است. در علم‌گرایی محوریت با عقل بشر است و هر آنچه عقلانی به حساب آید، قابل پذیرش است؛ لذا ارزش و احساسات غیرمنطقی هیچ نقشی در تبیین امور ندارند. از سوی دیگر، در جوامع مدرن، به تکنولوژی بسیار بها داده می‌شود و اعتقاد بر این است که پیشرفت تکنولوژی منجر به افزایش سلطه انسان بر طبیعت و در نتیجه پیشرفت جامعه می‌شود. در مجموع، طبق دیدگاه علم‌گرایانه، فقط علم می‌تواند یقین‌آور باشد. «والرشتاین» در این زمینه می‌گوید: ادعاهای دانشمندان با شکل‌های دیگر اثبات حقیقت فرق می‌کند، به این معنی که با کسب اطلاعات جدید، هر اظهار نظر علمی در معرض تجدیدنظر است. دانشمندان می‌گویند شکل‌های دیگر بیان حقیقت چون اشکال ایدئولوژیک، نظری، سنتی یا ذهنی کمتر قابل اطمینان هستند. بسیاری از افراد وصف «علمی» را با وصف «مدرن» مترادف دانسته‌اند و این وصف مورد ستایش همه است» (والرشتاین، ۱۳۸۴: ۵).

داده‌های پیمایش‌هایی که در کشورهای مختلف جهان، از ربع آخر قرن بیستم به این سو انجام شده است نظیر پیمایش ارزش‌های جهانی نشان می‌دهد که نوگرایی فرآیندی نسبتاً همگون و یکنواخت است و توسعه اقتصادی توأم با تغییرات فرهنگی گسترده در نظام ارزش‌های سنتی جوامع رخ می‌دهد (اینگلهارت و باکر^۱، ۲۰۰۰؛ اینگلهارت و ولزل^۲، ۲۰۰۵). البته برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که «مدرنیته‌های متداخل و همزمان»^۳ ممکن است به واسطه تداوم پابندی مردم به برخی از ارزش‌ها و میراث فرهنگی گذشته در جریان فرآیند نوگرایی فرهنگی و ساختاری جامعه روی دهد (ایزنشتاد^۴، ۲۰۰۲)؛ اما در هر حال نقطه آغاز و وضعیت نوگرایی در بین جوامع مختلف با هم تفاوت چشمگیری دارد (نیوسون و ریچاردسون^۵، ۲۰۰۹).

-
1. Inglehart and Baker
 2. Inglehart and Welzel
 3. Multiple Modernities
 4. Eisenstadt
 5. Newson and Richerson

جدول ۱- شاخص‌های خرد نوگرایی

مأخذ: (ذاکری نصرآبادی، ۱۳۸۴)

شاخص کلان	شاخص‌های خرد	نظریه پرداز مربوطه
عقل‌گرایی	داشتن بینش علمی و منطقی در امور مختلف؛ نفی تقدیرگرایی و شانس؛ قراردادگرایی	ویر، شارما ^۱ ، راجرز، شارما
سودگرایی	حسابگری (محاسبه سود و زیان)؛ کنش عقلانی معطوف به هدف	ماکس ویر
مصرف‌گرایی	پیروی از مد؛ استفاده از تکنولوژی مدرن و کالاهای مصرفی ناشی از آن؛ رفاه‌طلبی	گیدنز؛ زیمل؛ بریجیت و برگر
علم‌گرایی	نفی عقاید خرافی و افسانه‌ها؛ لزوم استفاده از روش‌های نوین علمی برای حل مسائل	آلبر ژاکار ^۲ ، ژاک لاکاریر ^۳ ، شارما و کندورسه ^۴
فردگرایی	استقلال‌طلبی در امور مختلف چون ازدواج و محل زندگی؛ اصالت فرد؛ یعنی ملاک حقیقت‌بودن وی، اکتسابی‌بودن موفقیت در زندگی نه انتسابی‌بودن آن	ریسمن ^۵ ، اینکلس، اسمیت، کافی یرونسونو
آزادی‌خواهی	اعتقاد به لزوم آزادی بیان در جامعه؛ آزادی افراد در انتخاب شیوه زندگی خود مثل لباس پوشیدن، طرز صحبت کردن و غیره؛ احترام به عقاید دیگران	ماکس ویر
نگرش دموکراتیک	اعتقاد به انتخابات باز و آزاد؛ اهمیت‌قابل‌شدن برای نقش خود در حکومت، ضروری‌دانستن وجود احزاب سیاسی در جامعه؛ لزوم کسب آگاهی سیاسی، به طور کلی داشتن نگرش دموکراتیک	شارما
انتقادگرایی	گفتمان دوسویه و نقد و ارزیابی مسائل سیاسی و اجتماعی	یورگن هابرماس ^۶ و واترز ^۷ واترز ^۷

۳. پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در ایران به بررسی طبقه و نوگرایی پرداخته‌اند عمدتاً این دو را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و در بیشتر تحقیقات به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند. با این حال در برخی تحقیقات نوگرایی به عنوان متغیر اصلی به حساب آمده و تأثیر برخی از

1. S. P. Sharma
2. A. Jacquard
3. J. Lacarrière
4. M. de Condorcet
5. D. Risman
6. J. Habermas
7. M. Waters

مؤلفه‌های طبقه اجتماعی (نظیر تحصیلات، درآمد و غیره) بر آن سنجیده شده است. نتایج تحقیق ذاکری نصرآبادی (۱۳۸۴) در اصفهان نشان داده است که هر چه طبقه اجتماعی بالاتر رود، نگرش افراد نسبت به مؤلفه‌های نوگرایی نیز مثبت‌تر می‌شود. افشار کهن (۱۳۸۳) معتقد است که سنتی بودن یا متجددبودن فرآیندی ناآگاهانه و ناشی از بستر اجتماعی‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند که در این میان، پایگاه اجتماعی فرد نیز بخشی از این بستر را تشکیل می‌دهد.

پاک‌سرشت (۱۳۷۷) نشان داد که هر چه میزان استفاده از رسانه‌ها و سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد، نوگرایی آن‌ها هم بیشتر بوده و در مقابل با بالارفتن سن، میزان نوگرایی کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق مهدی‌زاده (۱۳۸۰) نیز نشان داد که تحصیلات، درآمد و منزلت اجتماعی با نوگرایی رابطه مستقیم دارند. ضمن این‌که مردان و مجردها نسبت به زنان و متأهلان نوگراترند. طبق یافته‌های اوجیونو در نیجریه، عواملی که به شدت با نوآوربودن همبستگی داشتند، عبارت بودند از: درآمد ناخالص کشاورزی، سطح زندگی، تمایل به تغییر و خردگرایی (گلدتورپ، ۱۳۷۰: ۳۵۶).

کامجین و کرایکم با استفاده از داده‌های طرح مطالعه ارزش‌های اروپاییان، به تحلیل مقایسه‌ای قشربندی اجتماعی و آموزش بر طیف گسترده‌ای از نگرش‌ها در کشورهای اروپایی می‌پردازند. بر مبنای ادبیات پژوهشی موجود، برخی از محققین بر این عقیده‌اند که تأثیر طبقه و آموزش بر نگرش‌ها، با توسعه و مدرنیزاسیون بیشتر جامعه کاهش می‌یابد. به طوری‌که با افزایش سطح توسعه یک جامعه، فردگرایی نیز گسترش می‌یابد و موقعیت طبقاتی اشخاص ارتباط کمتری با ارزش‌ها و نگرش‌های آن‌ها می‌یابد. در حالی‌که محققان دیگر معتقدند که با توسعه بیشتر جامعه، تأثیر طبقه همچنان ثابت؛ ولی تأثیر آموزش افزایش می‌یابد. نتایج این مطالعه در حمایت از مورد دوم بوده و نشان داده است که بین کشورهای مورد مطالعه، شواهدی از کمتربودن تأثیر طبقه بر نگرش بر اساس سطح توسعه و مدرنیزاسیون جامعه وجود

ندارد. در حالی که تأثیر آموزش بر نگرش‌ها در کشورهای پیشرفته‌تر بیشتر است (کامجین و کرایکم^۱، ۲۰۰۷).

نتایج مطالعه آرمر و اشنایبرگ نشان داد مقیاس‌های نوگرایی تاحدی قادر به پیش‌بینی نمرات مربوط به شاخص‌های بی‌هنجاری، از خودبیگانگی، و پایگاه اقتصادی-اجتماعی بودند. برعکس، مقیاس‌های نابهنجاری و از خودبیگانگی نیز به همان اندازه قادر به پیش‌بینی نمرات شاخص نوگرایی بودند. در مجموع، نتایج دلالت بر اعتبار سازه‌ای پایین مقیاس نوگرایی داشت و به طور جدی اندازه‌گیری سازه نوگرایی را زیر سؤال برد (آرمر و اشنایبرگ^۲، ۱۹۷۲).

۴. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها شامل یک فرضیه کلی و هشت فرضیه جزئی است به این قرار:
فرضیه کلی: بین تعلق طبقاتی افراد و نگرش آن‌ها نسبت به جریان نوگرایی رابطه وجود دارد.
فرضیه‌های جزئی:

- بین طبقه اجتماعی و عقلانیت رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و فردگرایی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و منفعت‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و مصرف‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و علم‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و گسترش روحیه نقادی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و آزادی‌خواهی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و نگرش دموکراتیک رابطه وجود دارد.

۵. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است ضمن این‌که برای تدوین ملاحظات نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش کتاب‌خانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. این

1. Kalmijn and Kraaykamp

2. Armer, Schnaiberg

پژوهش به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت، پهنانگر است.

جمعیت آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر یزد تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از پاسخگویان انجام و سپس با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۴۹ نفر برآورد شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه بعد از احراز اعتبار و پایایی در مرحله مقدماتی، برای جمع‌آوری داده‌ها در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در این تحقیق از اعتبار محتوا استفاده شده است. به همین منظور پرسش‌نامه بر اساس تئوری‌های موجود درباره ابعاد نوگرایی تدوین و به چند نفر از اساتید و متخصصان نشان داده شده است و با استفاده از نظرات آن‌ها، پرسش‌نامه مورد اصلاح و تأیید قرار گرفت؛ لذا ابزار تحقیق از اعتبار محتوایی^۱ برخوردار است. برای سنجش پایایی^۲ نیز از آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده میزان آلفای کرونباخ برای گویه‌های نوگرایی ۰/۷۳ شده است.

داده‌ها به کمک نرم افزارهای SPSS و لیزرل تجزیه و تحلیل شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است.

اندازه‌گیری متغیرها

میزان نوگرایی

نوگرایی، مفهومی بسیار ذهنی و انتزاعی است و لذا به منظور سنجش آن باید شاخص‌های مختلفی را در نظر گرفت. در پژوهش حاضر طبق مطالعات صورت‌گرفته، هشت شاخص اصلی که اکثر نظریه‌پردازان نوگرایی و جامعه‌شناسان، به عنوان ابعاد نوگرایی معرفی کرده‌اند،

1. Content Validity

2. Reliability

3. Cronbach

در نظر گرفته شده است: ۱- عقلانیت ۲- سودگرایی ۳- مصرف‌گرایی ۴- فردگرایی ۵- آزادی‌خواهی ۶- نگرش دموکراتیک ۷- انتقادگری ۸- علم‌گرایی.

در نهایت برای هر یک از مؤلفه‌های نوگرایی سه گویه و در مجموع ۲۴ گویه در نظر گرفته شده است که مجموع امتیازات پاسخگو از این گویه‌ها، نشان‌دهنده نگرش وی نسبت به نوگرایی است.

طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی به مجموعه افراد یا خانواده‌هایی اشاره دارد که در محدوده یک جامعه معین، از لحاظ میزان قدرت، درآمد، ثروت، حیثیت و یا ترکیب آزادانه‌ای از این عناصر، دارای موقعیت مشابهی هستند (گیدنز، ۱۹۷۳: ۳۵).

برای سنجش طبقه اجتماعی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر از روش «عینی» استفاده شده است؛ به این ترتیب که مطابق با روش «عینی»، شاخص‌های درآمد خانواده، تحصیلات، تحصیلات والدین (برای افراد مجرد) و تحصیلات همسر (برای افراد متأهل)، نوع و بهای منزل مسکونی، نوع و بهای اتومبیل، وضعیت اشتغال و نوع شغل به منظور تعیین طبقه اجتماعی افراد در نظر گرفته شده است. هر چه امتیاز پاسخگو از شاخص‌های فوق بیشتر باشد در طبقه اجتماعی بالاتری قرار می‌گیرد.

۶. یافته‌های تحقیق

- ۴۸/۶ درصد پاسخگویان مورد مطالعه را مردان و ۵۱/۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

- ۱۲/۵ درصد پاسخگویان بیست سال و کمتر، ۳۹/۱ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۵/۴ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۶/۵ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۶/۵ درصد بالای ۵۰ سال سن داشته‌اند.

- ۳۰/۵ درصد پاسخگویان تحقیق مجرد و ۶۹/۵ درصد متأهل بوده‌اند.

جدول ۲- آماره توصیفی ابعاد مختلف میزان نوگرایی

بعد	دامنه امتیازات ^۱	حداقل	حداکثر	میانگین نظری ^۲	میانگین نمونه
عقلانیت	۳-۱۲	۴	۱۱	۷/۵	۷/۶۹
سودگرایی	۳-۱۲	۴	۱۲	۷/۵	۷/۶۶
انتقادگرایی	۳-۱۲	۴	۱۲	۷/۵	۷/۹۰
مصرف‌گرایی	۳-۱۲	۳	۱۲	۷/۵	۷/۲۳
فردگرایی	۳-۱۲	۳	۱۲	۷/۵	۸/۴۷
نگرش دموکراتیک	۳-۱۲	۳	۱۲	۷/۵	۷/۴۲
آزادی خواهی	۳-۱۲	۳	۱۲	۷/۵	۸/۰۴
علم‌گرایی	۳-۱۲	۳	۱۲	۷/۵	۸/۸۳

بر اساس اطلاعات جدول (۲) و با توجه به تعداد گویه‌ها برای هر بعد و میانگین‌های به دست آمده می‌توان گفت که میانگین میزان علم‌گرایی و میزان فردگرایی در بین پاسخگویان بیشتر از سایر ابعاد بوده و میانگین مصرف‌گرایی کمتر از سایر ابعاد بوده است.

برای پاسخ به این سؤال که «میزان نوگرایی شهروندان یزدی در چه حدی است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. برای سنجش میزان نوگرایی در شهر یزد، ۲۴ گویه که مربوط به مؤلفه‌های نوگرایی می‌شد در پرسش‌نامه گنجانده شد و با توجه به این که طیف پاسخ‌ها ۴ قسمتی بود حداقل امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۲۴ و حداکثر ۹۶ خواهد شد. عدد ۶۰ را به عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب کرده و با استفاده از دستور تی تک‌نمونه‌ای به بررسی میزان نوگرایی پاسخگویان پرداخته شده است. اختلاف معنی‌دار از ۶۰ به بالا نشان‌دهنده بالاتر بودن میزان نوگرایی پاسخگویان از

۱. دامنه امتیازات بر حسب حداقل و حداکثر امتیازی است که پاسخگو می‌تواند کسب کند. در اینجا با توجه به این که برای هر بعد، سه گویه در قالب طیف لیکرت (۴ درجه‌ای) در نظر گرفته شد حداقل و حداکثر امتیاز به ترتیب ۳ (=۳*۱) و ۱۵ (=۱۲*۴=۳) خواهد بود.

۲. برای محاسبه میانگین نظری، متوسط دامنه پایین و بالای هر متغیر محاسبه شده است. با توجه به این که دامنه پایین ۳ و دامنه بالا ۱۵ بود میانگین نظری برابر ۷/۵ خواهد بود.

حد متوسط است، همچنین اختلاف معنی دار از ۶۰ به پایین نشان دهنده پایین تر بودن میزان نوگرایی پاسخگویان از حد متوسط است.

جدول ۳- خروجی آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت میزان نوگرایی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معنی داری
میزان نوگرایی	۶۳/۲۴	۶/۰۰۰	۸/۲۳۹	۰/۰۰۰

خروجی آزمون t نشان می‌دهد که میانگین نمره میزان نوگرایی برابر ۶۳/۲۴ شده است. همچنین اندازه t برابر ۸/۲۳۹ و سطح معنی داری ($P = ۰/۰۰۰$) از ۰/۰۵ کمتر شده است؛ یعنی به طور معنی داری میانگین بیشتر از ۶۰ بوده است، بنابراین در مجموع میزان نوگرایی پاسخگویان بیش از حد متوسط بوده است.

با توجه به این که طبقه اجتماعی بیش از هر چیزی با سه مقوله میزان تحصیلات، میزان درآمد و وضعیت اشتغال سنجیده می‌شود قبل از بررسی رابطه طبقه اجتماعی با میزان نوگرایی به بررسی رابطه این متغیرها با میزان نوگرایی پرداخته می‌شود.

تحصیلات و نوگرایی

رابطه میزان تحصیلات با مؤلفه‌های نوگرایی در جدول (۳) نشان داده شده است. با توجه به این که تحصیلات به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده بود از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۴- خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه میزان تحصیلات با مؤلفه‌های نوگرایی

مؤلفه	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی داری
مصرف‌گرایی	۰/۱۰۰	۰/۱۱۷
فردگرایی	۰/۱۶۴	۰/۰۱۰
سودگرایی	۰/۱۷۳	۰/۰۰۷
علم‌گرایی	۰/۲۵۹	۰/۰۰۰
نگرش دمکراتیک	۰/۲۸۸	۰/۰۰۰
آزادی‌خواهی	۰/۲۹۸	۰/۰۰۰
انتقادگرایی	۰/۳۷۰	۰/۰۰۰
عقل‌گرایی	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول مزبور، رابطه مؤلفه‌های فردگرایی، سودگرایی، علم‌گرایی، نگرش دمکراتیک، آزادی‌خواهی، انتقادگرایی و عقل‌گرایی با میزان تحصیلات، مستقیم و معنی‌دار است در حالی که رابطه مؤلفه‌های مصرف‌گرایی با میزان تحصیلات معنی‌دار نیست.

درآمد و نوگرایی

با توجه به این‌که افراد را بر حسب درآمد به چهار گروه تقسیم کردیم برای مقایسه میانگین هر یک از مؤلفه‌های نوگرایی بر حسب درآمد از آزمون تحلیل واریانس استفاده کرد. جدول (۵) خروجی آزمون تحلیل واریانس را نشان می‌دهد:

جدول ۵- خروجی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین ابعاد نوگرایی بر حسب درآمد

مؤلفه	واریانس	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
عقلانیت	بین‌گروهی	۴/۲۰۹	۲/۸۳۱	۰/۰۳۹
	درون‌گروهی	۱/۴۸۷		
سودگرایی	بین‌گروهی	۹/۵۶۸	۴/۰۸۵	۰/۰۰۷
	درون‌گروهی	۲/۳۴۲		
انتقادگری	بین‌گروهی	۴/۹۱۴	۲/۴۰۸	۰/۰۶۸
	درون‌گروهی	۲/۰۴۰		
مصرف‌گرایی	بین‌گروهی	۱۲/۵۱۷	۵/۶۲۴	۰/۰۰۱
	درون‌گروهی	۲/۲۲۶		
فردگرایی	بین‌گروهی	۹/۷۶۴	۳/۸۳۶	۰/۰۱۰
	درون‌گروهی	۲/۵۴۵		
نگرش دمکراتیک	بین‌گروهی	۱/۴۸۱	۰/۴۳۹	۰/۷۲۵
	درون‌گروهی	۳/۳۷۱		
آزادی‌خواهی	بین‌گروهی	۱۱/۵۴۶	۵/۲۶۶	۰/۰۰۲
	درون‌گروهی	۲/۱۹۳		
علم‌گرایی	بین‌گروهی	۱۲/۹۹۰	۳/۸۰۰	۰/۰۱۱
	درون‌گروهی	۳/۴۱۸		

داده‌های جدول (۵) نشان می‌دهد که میانگین مؤلفه‌های انتقادگرایی و نگرش دمکراتیک بر حسب درآمد متفاوت نیست و در سایر موارد، بین افراد با سطوح مختلف درآمد به لحاظ میانگین مؤلفه‌های نوگرایی تفاوت معناداری وجود دارد.

وضعیت اشتغال و نوگرایی

پاسخگویان برحسب اشتغال به دو گروه شاغل و غیرشاغل تقسیم شده‌اند. بر همین اساس، برای مقایسه میانگین هر یک از مؤلفه‌های نوگرایی بر حسب وضعیت اشتغال از آزمون تی مستقل استفاده شده است.

جدول ۶- خروجی آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین مؤلفه‌های نوگرایی افراد شاغل و

غیرشاغل

مؤلفه	وضعیت اشتغال	میانگین	تی	سطح معنی داری
عقل‌گرایی	غیر شاغل	۷/۵۶	۱/۳۵۰	۰/۱۷۸
	شاغل	۷/۷۸		
سودگرایی	غیر شاغل	۷/۵۱	۱/۳۲۴	۰/۱۸۷
	شاغل	۷/۷۸		
انتقادگرایی	غیر شاغل	۸/۰۸	۲/۰۸۱	۰/۰۳۸
	شاغل	۷/۷۰		
مصرف‌گرایی	غیر شاغل	۷/۲۹	۰/۴۲۶	۰/۶۷۰
	شاغل	۷/۲۱		
فردگرایی	غیر شاغل	۸/۳۰	۱/۴۵۸	۰/۱۴۶
	شاغل	۸/۶۱		
نگرش دمکراتیک	غیر شاغل	۷/۵۶	۱/۰۰۸	۰/۳۱۵
	شاغل	۷/۳۳		
آزادی خواهی	غیر شاغل	۷/۸۶	۱/۷۹۱	۰/۰۷۵
	شاغل	۸/۲۱		
علم‌گرایی	غیر شاغل	۸/۶۸	۱/۱۷۰	۰/۲۴۳
	شاغل	۸/۹۶		

داده‌های جدول (۶) بیانگر این است که میزان انتقادگرایی افراد غیرشاغل بیش از افراد شاغل است و در سایر موارد تفاوتی بین افراد شاغل و غیرشاغل به لحاظ مؤلفه‌های نوگرایی وجود ندارد.

طبقه اجتماعی و نوگرایی

بر اساس شاخص‌های مختلفی که برای سنجش طبقه اجتماعی (درآمد، تحصیلات، شغل و غیره) وجود دارد، سازه طبقه اجتماعی به کمک نرم‌افزار SPSS ساخته شده است. برای سنجش رابطه طبقه اجتماعی و مؤلفه‌های نوگرایی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۷- خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه طبقه اجتماعی با مؤلفه‌های مختلف نوگرایی

مؤلفه	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
فردگرایی	۰/۰۳۵	۰/۵۸۸
مصرف‌گرایی	۰/۰۷۷	۰/۲۳۷
انتقادگرایی	۰/۱۱۶	۰/۰۷۵
سودگرایی	۰/۱۵۸	۰/۰۱۵
نگرش دموکراتیک	۰/۱۷۵	۰/۰۰۷
علم‌گرایی	۰/۱۸۶	۰/۰۰۴
آزادی‌خواهی	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰
عقل‌گرایی	۰/۳۲۴	۰/۰۰۰

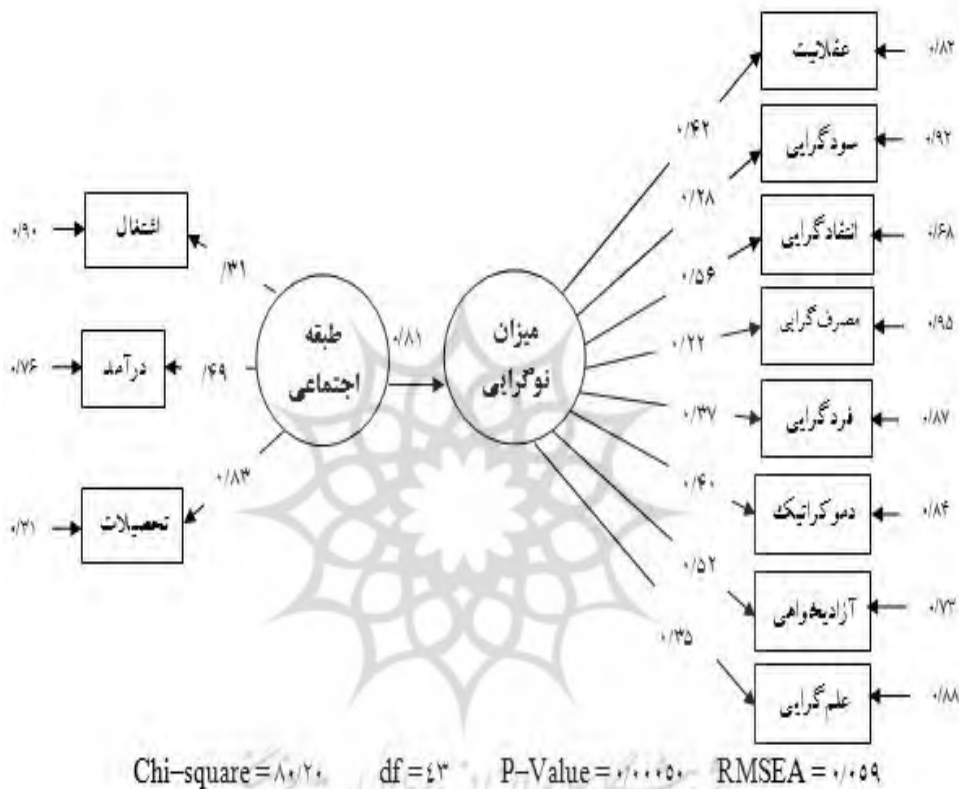
داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که رابطه مؤلفه‌های سودگرایی، نگرش دموکراتیک، علم‌گرایی، آزادی‌خواهی و عقل‌گرایی با طبقه اجتماعی، مستقیم و معنی‌دار است در حالی که رابطه مؤلفه‌های فردگرایی، مصرف‌گرایی و انتقادگرایی با طبقه اجتماعی معنی‌دار نیست.

الگوسازی معادلات ساختاری^۱

نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار (۱) منعکس شده است. این توضیح لازم است که دو متغیر اصلی این تحقیق؛ یعنی میزان نوگرایی و طبقه اجتماعی از نوع متغیرهای مکنون

1. Structural Equation Modeling (SEM)

هستند. چنان که ملاحظه می شود میزان تأثیر طبقه اجتماعی بر میزان نوگرایی، $0/81$ است که نشان دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر است؛ یعنی افزایش طبقه اجتماعی باعث افزایش میزان نوگرایی می شود.



شکل ۱- مدل معادله ساختاری، تأثیر طبقه اجتماعی بر میزان نوگرایی

شاخص های برازش مدل نشان می دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. یکی از این شاخص ها، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI) است. دامنه تغییرات شاخص مذکور بین صفر و یک است، هر چه مقدار محاسبه شده به یک نزدیک تر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است. در مدل حاضر،

1. Goodness of Fit Index

GFI معادل ۰/۹۴ به دست آمده است. یکی دیگر از شاخص‌ها، شاخص کای اسکویئر هنجار شده است که از تقسیم کای اسکویئر بر درجه آزادی به دست می‌آید و میزان مطلوب آن بین یک تا ۵ است در این جا میزان شاخص کای اسکویئر هنجار شده برابر ۱/۸۶ شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل دارای برازش خوبی است. سایر شاخص‌ها در جدول (۸) گزارش شده است:

جدول ۸- شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص	کای اسکویئر هنجار شده	AGFI	GFI	IFI	RMR	RMSEA
مقدار	۱/۸۶	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۰۵۵	۰/۰۵۹

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان داد میانگین میزان علم‌گرایی و میزان فردگرایی در بین پاسخگویان بیشتر از سایر ابعاد بوده و میانگین مصرف‌گرایی کمتر از سایر ابعاد بوده است. مردم شهر یزد از دیرباز به علم بها داده و برای کسب آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. بهترین شاهد این مدعا این است که در ۱۸ سال گذشته همواره شهر یزد رتبه اول کنکور سراسری دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده است و شخصیت‌های علمی فراوانی در طول تاریخ از این شهر برخاسته‌اند. از طرف دیگر میزان مصرف‌گرایی در بین پاسخگویان پایین بوده است یکی از صفات اصلی مردم شهر یزد قناعت (در کنار قنوت و قنات) است؛ یعنی مردم یزد علاوه بر ایمان بالا و داشتن قنات‌های متعدد به صرفه‌جویی نیز شهره بوده و هستند. برخی پژوهش‌ها (عسکری و دیگران، ۱۳۸۸ و یوسفی، ۱۳۹۰) نیز بیانگر پایین بودن میزان مصرف‌گرایی مردم این دیار است.

یکی از نتایج تحقیق رابطه مستقیم و معنی‌دار بین تحصیلات و مؤلفه‌های نوگرایی است، که در تحقیقات قبلی نیز مشخص شده بود (پاک‌سرشت، ۱۳۷۷؛ مهدی زاده، ۱۳۸۰). هر چه سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رود تمایل به نوگرایی در بین آن‌ها افزایش می‌یابد، افرادی که

تحصیلات بالا دارند از یک سو نسبت به شاخص‌های نوگرایی دید مثبت‌تری دارند و از سوی دیگر با آگاهی کامل و درک درست از این عوامل، آن‌ها را می‌پذیرند. به اعتقاد اینکلس، عواملی چون برخورداری افراد از آموزش بالا و مطلوب، محیط شهری و دسترسی به وسایل ارتباطی توده‌ای منجر به تغییر وجه‌نظرات و نظام ارزشی افراد شده و آن‌ها را برای زندگی در یک جامعه نو آماده می‌کند (وینر، ۱۳۵۳: ۲۰۶)؛ بنابراین توجه بیشتر به امر آموزش و پرورش از نظر کیفی، افزایش سطح تحصیلات و نحوه آموزش افراد تأثیر زیادی در پذیرش ارزش‌های مدرن دارد؛ زیرا افراد دارای تحصیلات پایین معمولاً درک درستی از نوگرایی و عناصر آن ندارند و تعبیر نادرست از نوگرایی منجر به عدم پذیرش آن می‌شود.

یکی دیگر از نتایج تحقیق عدم تفاوت بین افراد شاغل و غیرشاغل در رابطه با مؤلفه‌های نوگرایی به جز انتقادگرایی است. میزان انتقادگرایی، افراد غیرشاغل در مقایسه با افراد شاغل بیشتر است. امکان توییح افراد شاغل در صورت انتقاد از وضعیت موجود، محافظه‌کار بودن شاغلین و نگرش انتقادی غیرشاغلان به دلیل بیکاری از مهم‌ترین دلایل تفاوت دیدگاه این دو گروه از پاسخگویان است. رابطه مؤلفه‌های سودگرایی، نگرش دمکراتیک، علم‌گرایی، آزادی‌خواهی و عقل‌گرایی با طبقه اجتماعی، مستقیم و معنی‌دار است در حالی‌که رابطه مؤلفه‌های فردگرایی، مصرف‌گرایی و انتقادگرایی با طبقه اجتماعی معنی‌دار نیست. این به آن معناست که تعلق طبقاتی افراد یکی از عوامل مؤثر بر نگرش آن‌ها است. طبقات بالای جامعه به دلیل داشتن تحصیلات و درآمد بیشتر، زندگی در محیط شهری، استفاده بیشتر از رسانه‌های جمعی و بالا بودن میزان آگاهی‌هایشان در مقایسه با طبقات پایین جامعه از میزان نوگرایی بالاتری برخوردارند.

با توجه به رابطه معناداری که بین شاخص‌های طبقه اجتماعی و مؤلفه‌های متغیر نوگرایی وجود دارد، نقش دولت و سازمان‌های دولتی در بهبود وضعیت اقتصادی، بالابردن میزان اشتغال و سطح کیفی تحصیلات و همچنین افزایش سطح آگاهی افراد توسط رسانه‌ها برای پذیرش هر چه بهتر مؤلفه‌های نوگرایی مهم و قابل توجه است. طرح‌ریزی سیاست‌های مناسب از سوی دولت جهت کاهش فاصله طبقاتی موجود و در دسترس همگان گذاشتن امکانات

مختلف آموزشی، فرهنگی و اطلاعاتی می‌تواند زمینه را برای روشن کردن ذهن افراد نسبت به ارزش‌های مدرن و از-بین‌بردن سوء تفاهمات موجود، فراهم کند و گامی مؤثر و مفید در جهت کاهش تعارضات سنت و نوگرایی تلقی شود.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۷). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*. تهران: نشر مرکز.
۲. احمدی، بابک. (۱۳۷۹). *خاطرات ظلمت*. تهران: نشر مرکز.
۳. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کلمه.
۴. افشارکهن، جواد. (۱۳۸۳). بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: آوای نور.
۵. عسکری‌ندوشن، عباس؛ افشانی، سید علی‌رضا؛ ذاکری‌هامانه، راضیه. و عسکری‌ندوشن، سمیه. (۱۳۹۰). «تمایلات مصرفی زنان در شهر یزد». *مجله علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. دوره ۹. شماره ۱: ۹۳-۱۱۶.
۶. افشانی، سیدعلی‌رضا؛ عسکری‌ندوشن، عباس؛ فاضل‌نجف‌آبادی، سمیه و حیدری، محمد. (۱۳۸۸). «اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل». *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال بیستم. شماره پیاپی ۳۶. شماره ۴: ۷۴-۵۷.
۷. انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۸). *نظریه‌های قشریندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۸. برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید. (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی*. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نشرنی.
۹. بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (اندیشه‌های مارکسیستی)*. جلد اول. چاپ سوم. تهران: نشر نی.
۱۰. پاک‌سرشت، سلیمان. (۱۳۷۷). *بررسی میزان نوگرایی در بین مدیران کارگاه‌های کوچک تولیدی شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۱. جهاننگلو، رامین. (۱۳۸۱). موج چهارم. ترجمه منصور گودرزی. تهران: نشر مرکز.
۱۲. ذاکری نصرآبادی، زهرا. (۱۳۸۴). تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش افراد نسبت به جریان نوگرایی (مطالعه موردی: شهر اصفهان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان
۱۳. ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه احمد غروی‌زاد. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
۱۴. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
۱۵. کوئن، بروس. (۱۳۷۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: فرهنگ معاصر.
۱۶. کیویستو، پیتر. (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۱۷. گلدتورپ، جی. ای. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم: نابرابری و توسعه. ترجمه جواد طهوریان. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۸. لسناف، مایکل. ایچ. (۱۳۸۰). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: نشر کوچک.
۱۹. مردیها، سیدمرتضی. (۱۳۷۹). دفاع از عقلانیت (تقدم عقل بر دین، سیاست و فرهنگ). تهران: انتشارات نقش و نگار.
۲۰. مهدی‌زاده، شراره. (۱۳۸۰). تلویزیون و نوگرایی. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲۱. واترز، مالکوم. (۱۳۸۱). جامعه سنتی و جامعه مدرن: مدرنیته، مفاهیم انتقادی. ترجمه منصور انصاری. تهران: نقش جهان.
۲۲. والرشتاین، ایمانوئل. (۱۳۸۴). «تنگناهای تولید علم معاصر». ماه‌نامه سیاحت غرب. سال دوم. شماره ۲۲: ۵-۱۲.
۲۳. یوسفی، فریدون. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مصرف‌گرایی در بین زنان شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. یزد: دانشگاه یزد.
۲۴. وینر، مایرون. (۱۳۵۳). نوسازی جامعه: چند گفتار در شناخت دینامیسم رشد. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

25. Armer, M. and Schnaiberg, A. (1972). "Measuring Individual Modernity: A Near Myth". *American Sociological Review*. 37 (3): 301-316.
26. Berntstein, R. (1991). *The New Constellation: The Ethical-Political Horizon of Modernity-Post Modernity*. Cambridge
27. Eisenstadt, S. N. (ed.). (2002). *Multiple Modernities*. New Brunswick. NJ: Transaction Publishers.
28. Giddens, A. (1973). *The Class Structure of the Advanced Societies*. New York: Harper & Row.
29. Inglehart, R. and Welzel. C. (2005). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*. New York: Cambridge University Press.
30. Inglehart, R. and Baker, W. E. (2000). "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values." *American Sociological Review* 65: 19-51.
31. Inkeles, A and Smith, D. H. (1974). *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
32. Inkeles, A. (1969). Making Men Modern. *American Journal of Sociology*. No 75.
33. Pippin. R. B. (1991). *Modernism as a Philosophical Problem*. New York: Oxford.
34. Tremayne, S. (2006). "Modernity and Early Marriage in Iran: A View - from Within". *Journal of Middle East Woman's Studies* 2 (1): 65-94.